

بسم الله الرحمن الرحيم

پرداخت نمودن قرض به وجه احسن

(ترجمه)



السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

پرسش اول از اسماجوبی: اگر شخصی یک تَن آهن را قرض گیرد، سپس آن را با مقدار بیشتر بدون هیچ نوع فشار و به‌خواست خود به‌قرض دهنده اداء کند، آیا این اداء کردن قرض به‌وجه احسن نیست؟ امیدوارم که در این مورد مستفید مان سازید.

پرسش دوم از ام احمد: چنانچه معلوم است، درست نیست که یک شی قرض گرفته شود و در تأدیه‌اش کم و یا زیاد اداء گردد، بلکه مثل آنچه که قرض گرفته شده از نوع آن باشد. الله سبحانه و تعالی شما را جزای خیر نصیب نماید. لیکن نزد من در کلمه "حسن القضاء" یعنی اداء کردن قرض به وجه احسن شبه‌ای پیش آمده، چرا وقتی که زیادت در نوع و مقدار باشد، قسمی که شما در پاسخ سود ذکر کردید، سود شمرده نمی‌شود؟ اگر حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را حسن قضاء در نظر گیریم، چرا وقتی که یک چوپه شتر را قرض گرفت، در عوض اش شتر چهار ساله اداء کرد؟ و هم‌چنان قرض گرفتن یک‌تن آهن و اداء کردن اش یک و نیم تن سود می‌باشد؟ آیا این ذکر نشده که زیادت در نوع و در مقدار درست نیست؟

پرسش سوم از واثقه ابو عبدالله: سلام بر شما شیخ بزرگوار! الله سبحانه و تعالی شما را جزای خیر نصیب فرماید. در یک پاسخ شما چنین وارد شده: واجب است که قرض به وجه احسن و بدون زیادت (منفعت) داده شود، در غیر آن سود می‌باشد. آیا اینجا مقصود از

زیادت همان زیادتی که از طرف قرض دهنده در وقت قرض گرفتن مشروط قرار داده شده و یا هم بدون ذکر شرطی که زیادت جواز ندارد؟

پاسخ به پرسش های سه گانه ای که از موضوع واحد سؤال کرده اند:

وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته!

به نسبت آنچه که در حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم در ارتباط اداء کردن قرض به وجه احسن ذکر شده، مقصودش زیادت در عدد، وزن و یا هم در "کیل" نبوده؛ بلکه مقصودش از عدد، وزن و کیل در نفس اش بهتر از آنچه که گرفته است، می باشد. مثلاً: اگر مردی 10 کیلوگرام گندم قرض گرفت، درست است که در عین وزن که 10 کیلو می باشد، بهتر از آنچه که گرفته اداء کند، و اگر شخصی 10 کیلو برنج را قرض گرفت، جائز است که به عین "کیل" که 10 است، برنج بهتر از آنچه گرفته اداء کند. همین گونه، اگر یک گوسفند قرض گرفت، جائز است که یک گوسفند بهتر از آن اداء کند؛ نه دو گوسفند. این است معنی اداء کردن قرض به وجه احسن، نه اینکه زیادت در وزن و کیل و عدد باشد. حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم پاسخ قبلی مان را بهتر توضیح می دهد:

«عن أبي رافع قال «استسلف رسول الله صلى الله عليه وسلم بكرة فجاءته إبل من الصدقة فأمرني أن أقضي الرجل بكرة فقلت لم أجد في الإبل إلا جملاً خياراً رباعياً فقال النبي صلى الله عليه وسلم أعطه إياه فإن خيار الناس أحسنهم قضاء»

(رواه أبوداود)

ترجمه: از ابی رافع (رضی الله عنه) روایت است که فرمود: رسول (الله صلی الله علیه وسلم) یک چوپه شتر را قرض گرفتند، سپس یک شتر از مال صدقه برای شان آورده شد، مرا امر نمود که چوپه شتر آن مرد را اداء کنم، برای رسول الله گفتم: در میان شترها موجود نمی یابم؛ مگر شتر چهارساله را؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: برایش بده، بهترین مردم کسانی اند که از لحاظ اداء کردن، قرض خود را به وجه احسن اداء می کنند.

یعنی اینکه شتر را بهتر از شتر که قرض گرفته بود، اداء کرد، لیکن به عین عدد (یک شتر ادا کرد). این همان چیزی است که ما در پاسخ قبلی خود در ارتباط قرض گرفتن یک تن آهن و اداء کردن یک نیم تن اشاره کردیم که جائز نبوده؛ بلکه باید به عین وزن اش باشد.

خلاصه اینکه، مقصود از اداء کردن قرض به وجه احسن زیادت در وزن، کیل و در عدد نمی باشد، بلکه در نفس خود وزن و کیل و عدد باشد؛ مگر وقتی که قرض گیرنده می خواهد بدون شرط قرض دهنده بهتر اداء کند، جائز است که از نوع همان شی باشد؛ چراکه رسول الله صلی الله علیه وسلم بدون شرط قرض دهنده، قرض را بهتر و خوب تر اداء کردند. در کتاب نظام اقتصادی در باب سود آمده:

«وأما القرض فجائز في هذه الأصناف الستة، وفي غيرها، وفي كل ما يملك، ويحل إخراجه عن الملك، ولا يدخل الربا فيه إلا إذا جر نفعاً لما رواه الحارث بن أبي أسامة من حديث علي رضي الله عنه بلفظ «أن النبي صلى الله عليه وسلم نهى عن قرض جر منفعة»

وفي رواية «كل قرض جر منفعة فهو رباً» ويستثنى من ذلك ما هو من قبيل حسن القضاء دون زيادة لما رواه أبو داود عن أبي رافع قال «استسلف رسول الله صلى الله عليه وسلم بكرة فجاءته إبل الصدقة فأمرني أن أقضي الرجل بكرة فقلت لم أجد في الإبل إلا جملاً خياراً رباعياً فقال: أعطه إياه فإن خيار الناس أحسنهم قضاء»

(رواه أبو داود و أبي رافع)

ترجمه: قرض در این اصناف ششگانه و در غیر اینها هم جائز است و در هر آن چیزی که در ملکیت درآورده می شود، بیرون نمودن آن از ملکیت درست بوده و کدام سود در پی نداشته؛ مگر اینکه منفعت در پی داشته باشد. حارث بن ابی اسامه از حدیث علی رضی الله عنه به این لفظ روایت می کند که: رسول الله صلی الله علیه وسلم از قرضی که منفعت در پی داشته باشد، منع نمودند. هم چنان در روایت دیگر هم آمده: هر قرضی که منفعت در پی داشته باشد، آن سود است و آنچه از اداء کردن قرض به وجه احسن بدون زیادت است، استثناء می باشد. قسمی که ابوداود از ابی رافع روایت می کند: رسول الله صلی الله علیه وسلم یک چوچه شتر را درخواست نمودند و برای شان یک شتر از مال صدقه آورده شد، من را امر نمود که چوچه شتر آن مرد را اداء کنم، برای رسول الله گفتم: در میان شترها موجود نمی یابیم؛ مگر شتر چهار ساله را؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: برایش اعطاء کن، بهترین مردم کسانی اند که از لحاظ اداء کردن، قرض خود را به وجه احسن اداء می کنند.

جایز نیست این گونه گفته شود؛ چون تحفه و بخشش جایز است، پس زمانی که مقروض قرض را به اکثر از وزن و عدد و کیل و بارضایت خاطر و بدون شرط، اداء نماید، نیز جایز و درست می باشد؛ اما اگر موضوع غیرمتصل به موضوع قرض باشد، پس در این اشکالی وجود ندارد؛ مگر زیادت در این جا از جهت قرض پیش آمده است و آن منفعتی است که از جهت قرض بدست آمده است. چنانچه حارث بن ابی اسامه از حدیث علی رضی الله عنه به این لفظ روایت می کند که: رسول الله صلی الله علیه وسلم از قرضی که منفعت در پی داشته باشد، منع نمودند، و هم چنان در روایت دیگر هم آمده: هر قرضی که منفعت در پی داشته باشد، آن سود است.

هم چنان درست نیست گفته شود که بهتر اداء کردن در نوع، منفعت می باشد؛ چرا که رسول الله صلی الله علیه وسلم این را جائز شمرده و این را از جمله اداء کردن قرض به وجه احسن بر شمرده است، چنانچه در حدیث ابی رافع در فوق ذکر شد. امیدوارم که این توضیح کافی باشد إن شاء الله.

برادرتان عطاء ابن خلیل ابورشته

5 شعبان 1439 هـ.ق

21 اپریل 2018 م